



گفتگو



حزب وحدت شهید مزاری خانه مشترک همه هزاره‌ها بود

بنیاد اندیشه

پاینده محمد رهیاب علی آبادی از بزرگان هزاره‌های اهل سنت

بگیرم. تا این‌که با هماهنگی دوست دوره مهاجرتم، آقای حاجی بشیر، زمینه ملاقاتم با رهبر شهید مساعد شد و من توانستم به مدت ۱۵ دقیقه با پدر معنوی مردم غیور و شرافتمند هزاره درد دل نمایم. به تاریخ ۱۵ جدی ۱۳۷۱ اولین بار با استاد شهید مزاری دیدار کردم. نخست خودم را معرفی کردم و آنگاه انگیزه پیوستنم را به مردم خویش برایش شرح دادم. سپس جناب استاد چنین گفت: آمدن شما را به خانه خودتان خیر مقدم می‌گوییم؛ زیرا حزب

زمستان سال ۱۳۷۱ جنگ داخلی در کابل بیداد می‌کرد و پایتخت به قلمروهای جداگانه قدرت، میان اقوام ساکن در شهر تبدیل شده بود، من تا آن زمان کارمند یکی از بخش‌های مربوط به وزارت اطلاعات و فرهنگ بودم، به علت انتسابم به مردم غرب کابل، ادامه کار را در اداره مربوطه ناممکن تشخیص داده و تصمیم گرفتم که بعد از این با مردمم زندگی کنم. بنابراین تصمیم گرفتم با رهبری سیاسی مردم هزاره تماس حاصل نموده و در صف دفاع مردم خویش قرار

وحدت اسلامی خانه مشترک
همة هزاره‌ها است.

ضمناً می‌خواهم در مورد
علل و انگیزه سیاست کنونی و
راه جدیدی را که انتخاب
کرده‌ایم برای شما توضیحات
ارائه نمایم: «چهارده سال جهاد
مقدس برای ما آموخت که در
افغانستان شعارها مذهبی و
عملکردها نژادی است. و اراده
دیگران، قطعاً برحذف مردم
هزاره استوار است. قبل از این
تصور ما این بود که حضور مردم
ما تنها در عرصه سیاست جرم
تلقی می‌شود، ولی پیش
آمدهای اخیر برای ما ثابت
ساخت که حتی حضور فیزیکی
ما در سطح کشور، برای آن‌ها
قابل تحمل نیست.

با درک اهمیت موضوع،
مسئولین اداری و سیاسی شما
در جستجوی راه نجات برآمدند و
بالاخره به این نتیجه رسیدند که
برای نجات مردم هزاره از این
مرحله‌ی نهایت خطر ناک و
زندگی آبرو مندانه در فردای
کشور، فقط دو راه وجود دارد و
بس. یکی وحدت و همبستگی
سیاسی، اداری، تشکیلاتی،
نظامی، اجتماعی و فرهنگی
مردم هزاره بدون در نظر داشت
مسائل مذهبی و منطقی است و
دیگری تلاش همگانی برای
افزایش قدرت نظامی و استحکام
هرچه بیشتر سنگرهای دفاعی
تحت فرمان رهبری واحد
سیاسی ملت هزاره، می‌باشد.

بنا براین می‌توان گفت:
حزب وحدت اسلامی افغانستان
برای تحقق اهداف فوق تأسیس
شده و متعلق به تمام هزاره‌های

افغانستان می‌باشد. به عبارت
واضح تر، حزب وحدت اسلامی
در واکنش به برخورد ظالمانه و
خصمانه دیگران در مقابل مردم
هزاره و به منظور دفاع از این
مردم مظلوم به وجود آمده
است. ما تمامی اقوام ساکن در
این سرزمین را برادر می‌دانیم و
با هیچ مردمی سر جنگ نداریم.
جنگ ما تنها با کسانی است که
مردم ما را توهین و تحقیر
می‌کنند و موجودیت ما را نادیده
می‌گیرند. در عین حال برای
محو فیزیکی ما از صحنه هستی،
هر روز خانه‌های ما را با راکت و
بم ویران می‌کنند و زنان و
اطفال ما را وحشیانه به قتل
می‌رسانند».

در ختم ملاقات راجع به کار و
فعالیت‌م در آینده، از استاد شهید
مزاری طالب هدایت شدم.
ایشان در مورد چنین گفت: «به
نظر من در هر پست یا وظیفه‌ای
که فعلاً قرار داری، به وظیفه‌ات
ادامه بده. شما در موقف دولتی
که داری، خوب‌تر می‌توانید به
نفع مردم تان کار و فعالیت کنید.
من از طرز کلام تان در یافته‌ام که
شما در هر کجایی که باشید در
فکر مردم خود و در خدمت
مظلومین جامعه هستید و ما نیز
در مقام رهبری مردم هزاره، در
هر کجای که باشید، شما را از آن
خود می‌دانیم».

این اظهارات رهبر شهید
که نشان‌دهنده کمال اعتماد او
برای این جانب بود، مرا سخت
متأثر ساخت و از آن تاریخ به بعد،
مسیر زندگی‌ام از دنباله روی
دیگران در جهت همراهی با
مردم، تغییر یافت.

”

ما تمامی اقوام ساکن در این
سرزمین را برادر می‌دانیم و با
هیچ مردمی سر جنگ نداریم.
جنگ ما تنها با کسانی است که
مردم ما را توهین و تحقیر
می‌کنند و موجودیت ما را نادیده
می‌گیرند. در عین حال برای
محو فیزیکی ما از صحنه هستی،
هر روز خانه‌های ما را با راکت و بم
ویران می‌کنند و زنان و اطفال ما
را وحشیانه به قتل می‌رسانند.

“